

گفت‌وگو با دکتر امین اجلی، مسئول خدمات پرستاری بیمارستان روانپزشکی رازی

پرستارانی که به‌امین آبادی‌ها زندگی هدیه می‌کنند

پرستاری، شغل شریفی است که با تلاش و دلسوزی، هر روز جان و روح بیماران لمس می‌شود. به مناسبت روز پرستار، لازم دانستیم نگاه ویژه‌ای به پرستاران بیمارستان روانپزشکی رازی، واقع در روستای امین‌آباد، بزرگ‌ترین بیمارستان روانپزشکی در خاورمیانه با عمری بیش از ۱۰۰ سال داشته باشیم. کسانی که در محیطی پرچالش و با بیماری‌های پیچیده و نیازمند مراقبت ویژه، با صبر و دانش تخصصی، زندگی و آرامش را به افراد و خانواده‌هایشان بازمی‌گردانند. پرستارانی که روزانه با بیمارانی سروکار دارند که گاه رفتار توأم با خشونت، تحریک‌پذیر یا دچار مشکلات رفتاری هستند و هر لحظه مراقبت از آنها، نیازمند مهارت، دقت و صبر فراوان و دانش است. این پرستاران نه تنها وظیفه مراقبت جسمی و روانی بیماران را برعهده دارند، بلکه همراه و مشاور خانواده‌ها نیز هستند و با آموزش، راهنمایی و همراهی آنها، مسیر درمان را تسهیل می‌کنند. با وجود تمام فشارها، کمبود نیرو، امکانات محدود و بار روانی سنگین، آنها در سکوت و با عزمی راسخ، نقش حیاتی در حفظ سلامت روان جامعه ایفا می‌کنند و بی‌تردید شایسته توجه، حمایت و قدردانی همه مردم و مسئولان هستند.

دکتر امین اجلی، مدیر پرستاری دانشگاه و مسئول خدمات پرستاری بیمارستان روانپزشکی رازی تهران، با بیش از ۲۸ سال سابقه خدمت در بیمارستان می‌گوید: «پرستاری در بیمارستان روانپزشکی یک کار ویژه است. شما با بیمارانی سروکار دارید که نیازمند مهارت‌های ویژه هستند. ارتباط تخصصی هستند. این پرستاران با تمام وجود خود، زندگی روزمره بیماران را تسهیل و خانواده‌ها را نیز در مسیر مراقبت همراهی می‌کنند.»

وی ادامه می‌دهد که بیمارستان امین‌آباد، بزرگ‌ترین بیمارستان روانپزشکی خاورمیانه، با ظرفیت هزارو ۳۵۷ تخت مصوب، در حال حاضر به دلیل بازسازی برخی بخش‌ها و حضور بیماران مزمن، حدود ۹۰۰ بیمار بستری دارد. تقریباً نیمی از این بیماران، سال‌هاست در بیمارستان هستند و نیاز به مراقبت‌های ویژه جسمی و روانی دارند. او می‌گوید: «این بیماران به دلیل مصرف طولانی مدت داروها و کپولت سن، مراقبت‌های بیشتری می‌طلبند. به همین دلیل، بخش‌هایی که این بیماران در آن نگهداری می‌شوند، با تعداد تخت کمتر مدیریت می‌شوند تا بتوانیم خدمات دقیق و مناسب ارائه دهیم.»

دکتر اجلی می‌گوید: «اگر تمام تخت‌ها فعال بود، شاید کمتر از یک ماه طول می‌کشید تا پر شوند، چراکه تقاضا در جامعه بسیار بالاست. متأسفانه بسیاری از بیمارستان‌های عمومی و دانشگاه‌ها، تمایلی به پذیرش بیماران روانی ندارند. دستور وزارت بهداشت مبنی بر اختصاص ۱۰ درصد تخت‌ها به روانپزشکی نیز هنوز اجرا نشده است و این حوزه پرچالش، درآمذایی کمتری دارد.» وی تأکید می‌کند: «بیمارستان‌های روانپزشکی مانند رازی، تنها محل واقعی برای مراقبت از این بیماران باقی‌مانده‌اند و بدون حمایت مالی و توجه مردمی، ارائه خدمات باکیفیت دشوار

می‌شود.»

پرستاران، ستون اصلی مراقبت

مسئول خدمات پرستاری این بیمارستان نقش پرستاران را ستون اصلی مراقبت در بیمارستان روانپزشکی می‌داند و می‌گوید: «در حوزه روانپزشکی، پرستاران با بیمارانی کار می‌کنند که نیازمند مهارت‌های ویژه هستند. ارتباط درست با بیمار، تشخیص رفتارها و واکنش مناسب، همه مستلزم آموزش و تمرین طولانی است. هر جمله یا نگاه پرستار، تأثیر مستقیم بر روح و روان بیمار دارد.»

وی همچنین درباره چالش‌های پرستاران می‌افزاید: «کمبود کادر درمانی، فشار کاری بالا، نیاز به به‌روزرسانی مداوم مهارت‌ها و تفלות حقوق و مزایا نسبت به بیمارستان‌های عمومی،

درد

یک روز کاری در بخش روانپزشکی با بخش‌های عمومی کاملاً متفاوت است. پرستار با بیمارانی مواجه می‌شود که تحریک‌پذیر هستند و رفتارهایی غیرمتعارف دارند. گزارش دهی داروها، پیگیری رفتارها، گزارش دهی به روانپزشک و مراقبت‌های جسمی، همه در کنار هم قرار دارند و یک لحظه غفلت می‌تواند امنیت بیمار یا پرستار را به خطر بیندازد. بنابراین این حرفه تنها مهارت فنی نیست، بلکه نیازمند انعطاف ذهنی، دلسوزی و توانایی مدیریت بحران است.

مشکلات عمده ماست، حتی اختلاف ضرب پرستار به تخت در بیمارستان روان پزشکی رازی کشور حدود ۰/۳ است، در حالی که میانگین کشور ۰/۹ تا ۱/۱ است.» دکتر اجلی به تجربه استخدام نیز اشاره می‌کند: «در آزمون استخدامی سال گذشته از ۴۰۰ نفر، تنها ۴۰ نفر شرکت کردند و عده کمی توانستند به تیم ما اضافه شوند. محیط روانپزشکی فشار روانی و برچسب اجتماعی منفی دارد که بسیاری از افراد را از ورود باز می‌دارد.» وی با نگرانی از شرایط محیطی و رفاهی پرستاران می‌گوید: «دوری بیمارستان، آلودگی هوای منطقه و کمبود امکانات رفاهی و تفریحی، کار را سخت‌تر کرده است. حتی برنامه‌های رفاهی مثل اعزام کارکنان به همراه خانواده برای استراحت، سال گذشته تقریباً وجود نداشت.»

روزمرگی و سختی‌های پرستاران

مسئول خدمات پرستاری این بیمارستان درباره روزمرگی پرستاران توضیح می‌دهد: «یک روز کاری در بخش روانپزشکی با بخش عمومی کاملاً متفاوت است. پرستار باید با بیمارانی تحریک‌پذیر و با رفتارهای غیرمتعارف سروکار داشته باشد. کنترل دارو، پیگیری رفتارها، گزارش‌دهی به روانپزشک و مراقبت‌های جسمی، همه در کنار هم است. یک لحظه غفلت می‌تواند امنیت بیمار یا پرستار را به خطر بیندازد.»

وی اضافه می‌کند: «پرستار باید نه تنها صبور باشد، بلکه قدرت تحلیل سریع رفتار بیمار و مهارت‌های رفتار درمانی اولیه را نیز داشته باشد. این حرفه تنها مهارت فنی نیست، بلکه نیازمند انعطاف ذهنی، دلسوزی و توانایی مدیریت بحران است.»

خانواده‌ها، شریک اصلی درمان

دکتر اجلی درباره فشار خانواده‌ها و نقش‌شان در درمان بیماران روانی می‌گوید: «نگهداری از بیمار روانی در خانه بسیار دشوار است. این بیماران



تحریک‌پذیر هستند و رفتارهای غیرعادی دارند که تمرکز خانواده‌ها را برای انجام کارهای روزمره و شغلی مختل می‌کند. هزینه‌ها، بار عاطفی و مسائل اخلاقی، خانواده‌ها را تحت‌فشار قرار می‌دهد. ولی حمایت خانواده‌ها، آموزش مستمر به آنها، بخش جدایی‌ناپذیر در مان است. آموزش نحوه‌دادن داروها، شناخت عوارض و گزارش دهی، حمایت عاطفی و پذیرش بیمار، مستقیماً بر کیفیت درمان بیمار تأثیر دارد.»

بیمارستان و خانواده‌ها، می‌تواند به مدیریت بهتر بیماران کمک کند. این مراکز می‌توانند بیمار را برای مدتی بستری کنند تا تحت نظارت تیم درمان باشد و خانواده‌ها فرصت داشته باشند به امور خود برسند.»

تاریخچه و تحول بیمارستان

دکتر اجلی با نگاهی به تاریخچه بیمارستان می‌گوید: «این بیمارستان بیش از ۱۰۰ سال قدمت دارد که ابتدا محلی برای جمع‌آوری متکدیان بود و در سال ۱۳۳۸ به بیمارستان روانپزشکی تبدیل شد. قبل از آن بیماران روانی در مکان‌های نامناسب و غیربهداشتی نگهداری می‌شدند.»

او می‌افزاید: «با ورود روان پرستارها و آموزش‌های تخصصی، بیمارستان به مکانی مناسب برای مراقبت‌های روانی تبدیل شد و با پیشرفت علم، روش‌های درمانی نیز به روز شد. اکنون کارشناسی ارشد روان پرستاری ایجاد شده و پرستاران با تخصص کافی خدمات ارائه می‌دهند.»

چشم‌انداز درمان روانپزشکی

مسئول خدمات پرستاری این بیمارستان درباره درمان بیماران توضیح می‌دهد: «در روانپزشکی درمان مطلق نداریم اما با داروها، روان درمانی و محیطی به دور از تنش، دوره بهبودی طولانی‌تر می‌شود و عود بیماری دیرتر اتفاق می‌افتد. توقع اینکه چند دوره بستری یا دارو درمان قطعی

محبوبه قربانی

پرونده

امین آباد
وايتار پرستاران

ايجاد كند، واقع بينانه نيست.»

فعاليت‌های جانبی و مراقبت ویژه

به گفته دکتر اجلی پرستاران در بیمارستان روانپزشکی نه تنها مراقبت جسمی، بلکه فعالیت‌های جانبی مثل برگزاری کارگاه‌های مهارت آموزی، فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی و برنامه‌های روزانه بیماران را نیز مدیریت می‌کنند. این کارها باعث کاهش اضطراب و افزایش اعتماد به نفس بیماران می‌شود. وی می‌افزاید: «گاهی پرستار باید نقش مشاور و همراه را در زمان بستری بیمار در سایر مراکز هم ایفا کند.»

پیام به مناسبت روز پرستار

مسئول خدمات پرستاری این بیمارستان خطاب به همکاران خود می‌گوید: «می‌دانم فشار کاری زیاد است اما شما وظیفه مهمی بر عهده دارید. محیط کار چالش برانگیز است، امکانات رفاهی کافی نداریم اما باید مشکلات شخصی را کنار گذاشته و تمام توان خود را برای مراقبت از بیماران به کار گیرید. بیمار روانپزشکی، فردی مظلوم است که بیماری ناخواسته به سراغش آمده و از جامعه و خانواده طرد شده است. پس باید با وجود تمام مشکلات، با خورشویی، حوصله و رفتار حرفه‌ای، بهترین خدمت را ارائه دهید.»

حمایت مردمی و اهمیت توجه به

بیمارستان‌های روانپزشکی

دکتر اجلی، نقش خیرین را حیاتی می‌داند و می‌گوید: «کمک‌های مالی و غیرمالی خیرین می‌تواند بخش‌های نیمه‌تمام بیمارستان را فعال کند و شرایط درمانی بیماران را بهبود دهد. بیشتر توجه مردم به مراکز می‌ماند که هرگز نیست اما بیمارستان‌های روانپزشکی به دلیل شرایط متفاوتی از سایر بیمارستان‌ها نیز به حمایت‌های مشابه نیاز دارد.»

وی می‌افزاید: «تفاوت مراقبت از بیماران روانی با جسمی، دانش و مهارت تخصصی می‌طلبد. پرستاران باید آموزش دیده و آماده باشند تا بتوانند ارتباط صحیح برقرار کنند. هر گونه بی‌توجهی به جزئیات، وضعیت بیمار را بدتر می‌کند.»

دکتر اجلی از مردم و مسئولان می‌خواهد توجهی را که به مراکز جسمی و توانبخشی دارند به بیمارستان روانپزشکی نیز داشته باشند و می‌گوید: «هر کمکی، چه مالی و چه غیرمالی، می‌تواند روند درمان را تسهیل کند و خانواده‌ها و بیماران را به زندگی عادی بازگرداند.»

او با تأکید بر جایگاه پرستاران می‌گوید: «پرستاران ستون اصلی درمان هستند و در سکوت، مظلوم‌ترین بیماران را حمایت می‌کنند. خانواده‌ها و جامعه نیز باید این مسیر را درک کنند و همراه تیم درمان باشند. تنها با همکاری پرستاران، خانواده‌ها و حمایت مردم، می‌توان زندگی و آرامش را به بیماران روانپزشکی بازگرداند.»

دکتر اجلی در پایان به مناسبت روز پرستار می‌افزاید: «پرستاری در بیمارستان روانپزشکی، کار سخت و پیچیده‌ای است اما ارزشمندترین خدمت به جامعه و مظلوم‌ترین افراد است. باور دارم کسانی که با تمام توان به این بیماران خدمت می‌کنند، خیر و نیکی در زندگی‌شان بازتاب خواهد یافت.»

امین آباد، فضایی برای انکار و طرد یا پذیرش و همراهی؟!

مهدی سیف*

اینجا قطعه‌ای از خاک است که پذیرای فرشتگانی است که به‌رغم بیماری طاعت‌فرسایی روانی، با‌لیخند پذیرای تو هستند.

اینجا امین‌آباد است. جایی که گویی دنیا در همان نقطه، متوقف شده با عشق! سر که می‌چرخانی، صورت‌هایی می‌بینی که تلخی داروهای آرامبخش، باعث نشده تا چشم‌هایشان لیخند را فراموش کنند. چیزی برای پذیرایی ندارند جز مهر و نماد آن دستانی است که به سوی تو دراز می‌کنند و رها نمی‌کنند تا تو بخوابی. تمام تفتن‌شان سیگارهایی است که با لذت دود می‌کنند تا نیکوتین آن مرمهی باشد بر زخم‌های نقش بسته بر نورون‌هایشان.

براساس یک دعوت کاری، در دفتر رئیس بیمارستان روانپزشکی رازی بودیم. جایی که آن را به نام امین‌آباد می‌شناسیم. حدود ۱۰ سال پیش هم فرصتی داشتم برای حضور اما این بار، تفاوت رویکرد مدیران در جلب مشارکت مردم محسوس بود. به‌رغم تلاش خیرین و مدیران از گذشته تا امروز، با اینکه به لحاظ جغرافیایی در کوتاه‌ترین فاصله با تهران است اما محرومیت اجتماعی در آنجا موج می‌زند. با چند پرسش و پاسخ سطحی از اطرافیان، درمی‌یابیم کمتر شهروندی از این مرکز آگاهی دارد و این برای مشارکت اجتماعی یعنی نقطه‌ای زیر صفر!

می‌توان آسیب‌شناسی علت این موضوع را به شیوه علمی و کلاسیک در بلند مدت انجام داد اما در زمان کوتاه نمی‌توان از مرکزی که ۵۰۰ بیمار روانی ساکن که بعضی تا ۵۰ سال است از اقصی نقاط ایران در آنجا ساکن شده‌اند و دیگر قادر به حضور در جامعه نیستند، ساده گذشت. به اینها ۵۰۰ بیمار شناور دیگر هم اضافه کنید؛ تا در یابید چه حجم عظیمی از توجه به این قطعه از خاک تهران نیاز است. اما چند درصد با حتی چه تعداد از شهروندان از این فضا خبر دارند؟ مرکزی که به عنوان رتبه برتر علمی در روانپزشکی ایران شناخته شده است. شروع احداث این مرکز به دهه‌های دور بازمی‌گردد. زمانی که بیمار روانی به عنوان یک تنگ تلی می‌شد و باید تا جامعه دور می‌شد تا نکند گزند یابیند شهروندان! غافل از اینکه این بیماران، عزیزان خانواده‌اند. چه میدانی! پدري یا مادري رنج كشيده يافزندي حسرت به دل. سال‌ها گذشت تا نگاه طردکنندگی جای خود را به نگاه ترحم‌آمیز بدهد.

حالا نه تنها طرد نمی‌شوند؛ بلکه مدیرانی دوراندیش سعی کردند تا توجه مردم را جلب کنند و زمینه‌ای فراهم کنند تا خیرین برای ارتقا گرفتن از زمین و لمس آسمان، بخشی از سرمایه خود را با جان و دل وقف کنند. اما همه این‌ها را به علاوه بودجه اختصاصی دولتی را توی کاسه که می‌ریزی، کفاف کوچک‌ترین هزینه‌های آنجا را نمی‌دهد.

با این حال روانپزشکان و کادر درمان آنجا سعی کردند با سبلی، صورت زخم خورده بیمارستان را سرخ نگذارند. در این بین پرستارانی را شاهد هستید که پورانه‌وار به گرد این عزیزان می‌چرخند و چشم از این فرشته‌ها بر نمی‌دارند. پرايشان كمبودها مهم نيست. آنچه مهم است، ليخند رضايست مددجوهاست. مددجوهايي كه جا يگاه‌ها نسان چيزي كمتر از پدر، مادر، خواهر، برادر يا حتي فرزندان شان ندار دامهم نيست كسي بينيند يا نبينند. باورش ان است كه نبايد اين مددجوهايان مغموم باشند. اينجا بیمارستان روانپزشکی رازی، معروف به امین‌آباد است!

می‌دانم شرایط اقتصادی این روزها، همه‌ها را چنان سر در گریبان فرو برده که صرف‌امکان اهدای سهمی اندک را در آمدمان داشته باشیم اما این فضا نیازمند یک همدلی در قالب مشارکت اجتماعی است.

می‌پرسید چگونه؟! نمی‌دانم. اما این را نیک می‌دانم که همه ما با هر سطحی از درآمد با همت توانایی آن را داریم تا مسیر امین‌آباد باشیم. اگر در آمدمان کفاف نداد با تخصص‌مان، اگر نه با همراهی‌مان. چگونه؟! نمی‌دانم. با همراهی شاید، با راهنمایی شاید. مهم این است که باور کنیم امین‌آباد یا همان بیمارستان روانپزشکی رازی هم سهمی دارد از این جامعه. اگر باور کردیم و پذیرفتیم، پس اگر جامعه‌شناس باشی یا روانشناس، بلاگر باشی یا یادکستر، بازیگر یا کارگردان، شهرساز باشی یا معمار، می‌توانی وظیفه خطیری وصله کردن این تکه از جامعه را با نخ مهر و سوزن عشق به عهده‌گیری.

با یک جست‌وجوی ساده می‌توانی تلفن و آدرس مرکز را بیابی. خود را معرفی کنی و یک بار مثلاً امروز به بهانه روز پرستار و قدردانی از آن قهرمانان خاموش میهمان آنجا شوی! قول می‌دهم دیگر خدوت آنجا را هانمی‌کنی یا بهتر بگویم؛ خدوت را رها نمی‌کنی تا آنجا سهمی داشته باشی. سهم که هیچ، عضوی باشی در امین‌آباد. قول می‌دهم که نه تنها آن را مخفی نکنی بلکه با افتخار آن را جابرنی. حالا اینجا امین‌آباد است. بیمارستان روانپزشکی رازی که تو هم سهمی در آن داری و بدون ترس از انگ به عضوی از امین‌آباد بودن، می‌بالی!

✳️جامعه‌شناس

سوپروایزر بیمارستان روانپزشکی رازی در گفت‌وگو با«جوان»:

پرستاری شغل دل است



پانسمان انجام دهیم، دارو بدهیم و فشار جسمی زیادی را تحمل کنیم. در اینجا حجم کار بالینی نسبت به بیمارستان‌های جنرال کمتر است. اما چالش اصلی رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی بیماران مانند اقدام به خودکشی، فرار و درگیری است. برخی بیماران پر خاشاگرند. فرسودگی روحی و روانی در اینجا بسیار بالاست. کار در این بیمارستان، ترکیبی از مهارت بالینی، صبر و مدیریت بحران است. ما باید هر روز مراقب رفتار بیمار باشیم و کوچک‌ترین نشانه‌ها را شناسایی کنیم تا بتوانیم قبل از بروز بحران، اوضاع را کنترل کنیم.

با این همه سختی، چطور هنوز با عشق و انگیزه ادامه می‌دهید؟

دلیل اصلی همان حس انسانی و رضایت روحی است که گفتیم. پرستار روانپزشکی باید مهارت شناسایی علائم اولیه پر خاشگری بیماران را داشته باشد و پیش از بروز بحران، اوضاع را کنترل کند. پر خاشگری بیماران مانند انفجار انرژی است اما اگر این

معصومه رضایی، ۴۸ ساله، با بیش از ۱۵ سال سابقه خدمت در بیمارستان روانپزشکی رازی، نمونه‌ای از تعهد و عشق به حرفه پرستاری است. او با صبر و مهارت، بیماران روانی را که اغلب از حمایت خانواده و جامعه محروم هستند، همراهی می‌کند و تجربه‌ای ارزشمند در مسیر حرفه‌ای خود دارد. در این گفت‌وگو، هم کلامی ما با او را می‌خوانید، از چالش‌های روزانه کار با بیماران روانی تا خاطرات ماندگار و توصیه‌های او برای پرستارانی که می‌خواهند در این مسیر قدم بگذارند و همچنین نگاه او به حمایت‌های مردمی و دولتی که هنوز در این حوزه کمتر دیده می‌شود.

■ ■ ■

چه شد که بیمارستان امین‌آباد را برای خدمت انتخاب کردید؟

وقتی تصمیم گرفتم از آزمون استخدامی بدهم، دو فرزند کوچک داشتم و مشکل شب کاری برای بسیار جدی بود. با مسئولان صحبت کردم و توانستم جایی مشغول شوم که تا بزرگ شدن بچه‌ها، مجبور به شب کاری نشوم. خوشبختانه موافقت شد و از آن زمان وارد خدمت خود در این بیمارستان شدم. در طول این سال‌ها، همکارانم واقعا صمیمی و همدل بوده‌اند. این صمیمیت، محیط کاری را قابل تحمل و دلپذیر می‌کند، به خصوص وقتی با بیماران روانی سرو کار دارید که شرایط پیچیده و طاقت‌فرسا دارند. اما مهم‌تر از همه علاقه من به بیماران روانی است. افرادی که اغلب محروم، مظلوم و فراموش شده‌اند. آنها بیماران طردشده جامعه‌اند، کسانی که وقتی خانواده یا جامعه دچار بحران می‌شود، بیماری‌شان شدت می‌گیرد. کمک به آنها نه تنها زندگی بیمار را تغییر می‌دهد بلکه حس انسانی عمیقی در پرستار ایجاد می‌کند و رضایت روحی بسیار زیادی به همراه دارد. این حس، نیرویی است که هر روز مرا به ادامه کار ترغیب می‌کند.

تفاوت کار در بیمارستان روانپزشکی با بیمارستان‌های عمومی چیست؟

در بیمارستان‌های عمومی، حجم کار بالینی بسیار بالاست. باید سرم وصل کنیم،